شعرای گمنام: ضیائی آرانی

ذکائی بیضائی

آقا میرزا محمد حسن آرانی متخلص به ضیائی فرزند ملا عبد الرحیم‏ و از خانواده شیخ العلما ملا محمد علی مجتهد نحریر وفقیه شهیر آرانی‏ است میرزا محمد حسن در سال 1282 هجری قمری در آران کاشان‏ بدنیا آمد پدرش ملا عبد الرحیم با اینکه در سلک علما قرار داشت و در لباس اهل علم بسر میبرد بکسب خیاطی امرار معاش مینمود ضیائی‏ سواد فارسی و مقدماتی از عربی را چنانکه رسم زمان بود در مکاتب آران‏ فرا گرفت و سپس حرفهء پدر را اختیار و بکار خیاطی پرداخت ولی چندی‏ بعد از این کار دست کشید و بشغل عطاری اشتغال ورزید و دیگر تا آخر عمر بکار عطاری مشغول بود.ضیائی ذهنی وقاد و طبعی بغایت روان و فطانتی بینهایت داشت شعر خوب میگفت و خط درشت و نستعلیق را در کمال خوبی مینوشت نگارنده در طفولیت مکرر وی را در همان دکان‏ عطاری دیده بود غالب اوقاتش بکتابت میگذشت با شادروان ادیب‏ بیضائی شاعر استاد و صاحب دیون و نیز با میرزا محمد رضای آرانی‏ متخلص بفلاح معاصر و معاضر بود و سرانجام در سال 1337 قمری هجری‏ در آران فوت نمود رحمت اللّه علیه غزل ذیل نمونه‏ای از آثار اوست:

غزل

گشته سرگشته جهانی همه از سر دهانش‏ کاین چه نکته است که جز گاه سخن نیست نشانش‏ گوشه‏گیر آمده چشمش بکمان بازی ابرو بو که پیوسته زنم بوسه بر آن تیرو کمانش‏ عارض آنست و یا سرزده ماهش ز گریبان‏ که خلایق همه انگشت بدندان نگرانش‏ هرکه یکبار بدیده است هرآن چهرهء زیبا رفته یکباره ز دل صبر و ز تن تاب و توانش‏ خواهد ار طایر دل سرکشد از حلقه مویش‏ ندهد آه دمی ناوک مژگانش امانش‏ که قدش دیده که برجای نمانده است ز حیرت‏ که رخش دیده که برچرخ نرفته است فغانش‏ در دل زار ضیائی بجز این عقده نباشد که یکی حرف محبت شنود خود ز دهانش